

متن پرسش

به بهانه شهادت شهید ریسی. شهادت و جهاد دست بی فکری مان را رو خواهد کرد مجاهد کسی ست که عجز خودش و عجز تاریخش را دریافته و از اول آن را پذیرفته است و از همین روست که جهاد و تلاش می‌کند. و چون دستش را خالی می‌بیند نمی‌تواند ساکن باشد پس در پی جستن چیزی ست که نداردش و همینطور در طلب چیزی ست که مردمان تاریخش آن را ندارند و حتا شاید در طلب آن هم نیستند و مایل به فکر کردن و به عهده گرفتن آن هم نیستند و بدتر آنکه آگاه به این بی فکری شان هم نیستند مجاهد در همین عجز قدم در راه ساختن بر می‌دارد چرا که آنچه می‌بیند جز خراب آباد نیست. او رنج راه را می‌پذیرد تا راه را هموار کند. «بیا بیا که زمانی ز می خراب شویم / مگر رسیم به گنجی در این خراب آباد / نمی‌دهند اجازت مرا به سیر سفر / نسیم بادِ مُصَلّا و آبِ زُکن آباد» (حافظ) مجاهد آنقدر قدم در راه ساختن بر می‌دارد که دیگر به منتهای عجزش نایل شود و دیگر تاریخ امکان قدم برداشتن بیش از آن را به او ندهد اینجاست که دیگر ناگزیر شهادت را می‌پذیرد و با شهادت دست بی فکری آدمیان را رو می‌کند تا بلکه عبرتی شود و راهی هموار شود. و مگر حسین بن علی جز این راه را رفت. در تاریخی که مردمان عهد دینی شان را فراموش کرده بودند و دچار بی فکری نسبت به زمانشان شده بودند و همه ی راه ها به بن بست کشیده شده بود حسین بن علی محض گشایش راهی، راه کوفه را در پیش گرفت. و آنقدر این راه را رفت و موانع را از سر گذراند تا اینکه در کربلا تمام راه ها بر او بسته شد. اینجا بود که ناگزیر شهادت را پذیرفت و با شهادتش دست یک تاریخ را برای مردمانش رو کرد و عبرتی برای آینده گانشان شد. #شهید_جمهور

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! شهادت، راه‌گشاست آن‌گاه که گویا همه راه‌ها بسته است و حال مائیم و راهی که در فهم آن و در شناخت آن هوشیاری خاصی را می‌طلبد تا اولاً: معلوم گردد راه، بسته نیست و ثانیاً: این راه، شبیه دیگر راه‌ها نیز نمی‌باشد، راهی است که دقیقاً در دل یک تنگنا و بن‌بست گشوده می‌شود آن هم با هویتی دیگر و معنایی متفاوت. بگذارید بدون معنکردن آن راه، در روشنایی نیم‌روز آن جلو و جلوتر برویم. مانند حضور ی که شهید آیت الله ابراهیم رئیسی خود را در روشنایی نیم‌روز راهی که شهدا گشودند، درک کرد و در آن حاضر شد تا تاریکی غلبه نکند. او حقیقتاً «راه» شد و راهی را گشود که معنی آن «رفتن» است بدون آن‌که بخواهیم آن را تعریف کنیم. قصه «راه»، تعریف‌کردنی نیست، رفت و باز رفتن است. موفق باشید

